

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱- بیان مساله

یکی از مهم‌ترین موضوعات در عصر حاضر، پدیده «جهانی‌شدن» است، که ذهن بسیاری از پژوهشگران عرصه‌های سیاست، اقتصاد و فرهنگ را به خود مشغول ساخته است. چند بعدی بودن این پدیده و پیچیدگی خاص آن، باعث شده است تا ارائه تعریف دقیق و روشنی از آن با دشواری همراه باشد. در تعریف دقیق جهانی شدن هیچ‌گونه وحدت نظری بین صاحب‌نظران وجود ندارد؛ زیرا این پدیده به حد نهایی تکامل خود نرسیده است و همچنان دست‌خوش تحول و دگرگونی است و هر روز وجهی تازه از ابعاد گوناگون آن نمایان می‌شود^۱. جهانی شدن واقعیتی ملموس و ضروری است که هر جامعه اگر خواهان رفاه شهروندانش باشد میبایست خود را با این جریان ضروری سازگار کند. جهانی شدن پدیده‌ای پیچیده و دارای ابعاد مختلف است اما بیشتر محققان اقتصاد رشد تجارت، رشد سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد شرکت‌های چندملیتی را از مشخصه‌های بارز جهانی شدن میدانند. در روند جهانی شدن میدان رقابت از سطح منطقه به سطح جهانی گسترش می‌یابد و در این روند کشورهای موفق‌تر هستند که قدرت رقابت بالاتری داشته باشند. ایجاد فضای رقابتی از مهمترین و اساسی‌ترین عناصر برای ورود به فرآیند جهانی شدن است. به عبارتی دیگر ایجاد بستر رقابتی، توجه به صادرات، حذف موانع موجود و به دنبال آن افزایش قدرت رقابت‌پذیری از مهمترین شاخص‌های آماده سازی بستر جهانی شدن است^۲

۱- عبدالحمید، عادل (۱۳۷۹) جهانی شدن و آثار آن بر کشورهای جهان سوم

۲- بهکیش، محمد مهدی (۱۳۸۰) اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، نشرنی، تهران.

رابرتسون (۲۰۰۶) ۱ جهانی شدن را به معنای در هم فشردن جهان و تبدیل شدن آن به مکان واحد قلمداد میکند.

وحیدیان (۱۳۸۸) بیان می کند که سه نگاه متفاوت به پدیده جهانی شدن وجود دارد : ۱) نگاهی که جهانی شدن را به عنوان یک پروژه طراحی شده از سوی کشورهای قدرتمند و توسعه طلب غربی می داند و بر همین اساس تلاش می کند تا با مظاهر آن در هر سطحی مبارزه کند (نگاه خوشبینانه)،

۲) نگاهی که جهانی شدن را نه به عنوان یک پدیده طبیعی و یک فرایند ناگزیر با توجه به گسترش روزافزون علم و صنعت در جهان میداند و عملاً تلاش میکند تا خود را با این رخداد طبیعی در ساختار جامعه انسانی وفق دهد (نگاه خوشبینانه)

۳) رویکرد سوم ترکیبی از دو نگاه فوق است مبنا را بر طبیعی بودن جهانی شدن میگذارد ولی بر این باور است که کشورهای توسعه طلب همواره تلاش میکنند تا بر این موج ایجاد شده در دنیای علم و صنعت سوار شوند و به تحکیم و افزایش قدرتهای مادی خود بپردازند . جهانی شدن ریشه در توسعه و پیشرفت فزاینده علوم به ویژه علوم و دانش ارتباطات و اطلاعات دارد پیشرفتهای بدست آمده در فنون ارتباطی و اطلاعاتی و توسعه فراگیر تکنولوژیک در این بخشها باعث گردیده است که روابط انسانی از حالت سنتی خود خارج و وارد فضایی کاملاً جدید گردد بر همین اساس می توان ادعا نمود جهانی شدن یک روند تدریجی میباشد که شروع خاصی بر آن متصور نیست بلکه از زمانی که ابداعات بشری موجب پدید آمدن ابزارهای فنی و تکنولوژی پیشرفته ای شد این فرایند شدت یافته در حقیقت قابل لمس گردید (محمد صاحبی، ۱۳۸۰) . شاخصهای مختلفی از جهانی شدن

۱. Robertson

وجود دارد که هر یک ابعاد مختلفی از این فرایند را پوشش دهد. در معرفی شاخص های جهانی شدن می توان به شاخص باز بودن اقتصاد، معیار ادغام تجارت بین الملل (ITI)، شاخص KOF و... اشاره کرد

همزمان با تسریع روند جهانی شدن آثار متفاوتی از آن در کشورهای مختلف بروز می کند از جمله این آثار می توان به تاثیر جهانی شدن بر شاخص توسعه انسانی و آثار اجتماعی مرتبط با آن اشاره کرد.

در یک تعریف کلی مفهوم توسعه انسانی رویکردی کل نگر به زندگی بهتر است که به پرورش استعدادها و قوای ذهنی در کنار مصرف کالاها و خدمات تاکید دارد. این مفهوم انسان را در مرکز الگوی توسعه قرار داد و موضوعهای عمیقی را درباره ی ویژگی های رشد اقتصادی و چگونگی توزیع آن مطرح میکند. اگرچه افزایش درآمد و گسترش اشتغال ضروری اند، فقط ابزارهایی برای دستیابی به توسعه جوامع اند نه هدف آن. تا قبل از دهه ۱۹۷۰ درآمد سرانه هر کشور به عنوان مبنای سنجش میزان توسعه یافتگی کشورها در نظر گرفته می شد اگرچه رشد درآمد سرانه برای دستیابی به برخی از اهداف لازم است اما نمی تواند بسیاری از جوانب مهم زندگی بشر را در بر بگیرد با چنین شاخصی از توسعه، رشد اقتصادی به عنوان محور اساسی توسعه در نظر گرفته شد. ایراد اساسی این دیدگاه، عدم توجه به مفهوم عدالت در داشتن فرصت های واقعی فردی است توجه تنها بر درآمد در سطوح فردی و انبوه عوامل مختلفی را که منجر به ایجاد تفاوت در فرصت های واقعی افراد می شود نادیده می گیرد و فرض میکند که درآمد باعث افزایش رفاه می شود. با توجه به این نواقص رویکرد درآمد، متفکرین توسعه درصدد معرفی یک شاخص اجتماعی و اقتصادی برآمدند به این ترتیب شاخص

توسعه انسانی معرفی شد. اساس معرفی این شاخص بر این استوار است که لازمه‌ی پیشرفت جوامع علاوه بر رسیدن به رفاه اقتصادی، پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت انسانی است. شاخص توسعه انسانی به معنای رتبه بندی کشورها از نظر پیشرفت‌های توسعه انسانی، متوسط آسودگی‌های زندگی است. با رتبه‌بندی کشورها یا استان‌ها می‌توان نقاط قوت و ضعف آنها را مشخص نمود و با توجه به آن لزوم ترقی شاخص‌های سطح پایین را با استفاده از سازمان‌دهی و هدایت دقیق یا باز توزیع منابع میسر نمود. شاخص توسعه انسانی دارای سه بعد است

۱- امید به زندگی در بدو تولد^۱ :

امید به زندگی، انتظار زنده ماندن یک فرد در بدو تولد را نشان می‌دهد به شرط آنکه الگوی مرگ و میر رایج در زمان تولد فرد به همان صورت باقی بماند.

۲- آموزش: دسترسی به دانش، با دو شاخص زیر برآورد می‌شود:

میانگین سالهای تحصیل^۲

امید به تحصیل^۳

۳- درآمد ناخالص ملی سرانه^۴ : درآمدی است که نصیب اهالی یک کشور خاص می‌شود که به علت شکاف چشمگیر میان کشورهای دارای درآمد بالا و پایین، برای محاسبه شاخص، به جای رقم مطلق درآمد ناخالص ملی سرانه به توان خرید دلار به کار برده می‌شود.

^۱.Life expectancy at birth

^۲.Mean years of schooling

^۳.Expected years of schooling

^۴.Gni per capital

جدول ۱-۱ حداکثر و حداقل پیش‌بینی شده برای هر شاخص

حداقل	حداکثر	ابعادهای شاخص توسعه انسانی
۲۰	۸۳/۴	امید به زندگی
۰	۱۳/۱	میانگین سالهای تحصیل
۰	۱۸	امید به تحصیل
۱۰۰ دلار	۱۰۷۷۲۱ دلار	درآمد ناخالص ملی سرانه

ماخذ: گزارش توسعه انسانی سازمان ملل (۲۰۱۱)

بنابراین شاخص توسعه انسانی بر پایه گزارش UNDP در سال ۲۰۱۰ بدین شیوه بدست می‌آید:

$$HDI = \sqrt[3]{I_{life} * I_{education} * I_{incom}} = \text{شاخص توسعه انسانی}$$

HDI محاسبه شده عددی بین صفر و یک است که با توجه به این شاخص کشورهای جهان به چهار دسته تقسیم می‌شوند: کشورهای با توسعه انسانی خیلی بالا، کشورهای با توسعه انسانی بالا، کشورهای با توسعه انسانی متوسط و کشورهای با توسعه انسانی پایین. هر چه شاخص توسعه انسانی به یک نزدیکتر باشد آن کشور توسعه یافته‌تر شناخته می‌شود. کشورهایی که در رده‌های بالای توسعه انسانی جای دارند کشورهای توسعه یافته و کشورهایی که در رده پایین توسعه انسانی هستند کشورهای توسعه نیافته از دید پیشرفتهای جهانی هستند (خطیبی ۱۳۸۷). شاخص توسعه انسانی در ایران ۰,۷۰۷ درصد در سال ۲۰۱۰ می‌باشد که از رشد بالایی برخوردار بوده و ایران جزء کشورهای

^۱UNDP(۲۰۱۰)

باتوسعه انسانی بالا قرار گرفت. زیرا تحلیل روند توسعه انسانی طی دهه‌های اخیر در ایران نشان داده که فضای قابلیت‌زا برای پیشرفت تحصیلی و ارتقای سلامتی شهروندان در اثر اختصاص هزینه‌های اجتماعی قابل توجه به آموزش و بهداشت و درمان فراهم آمده. و در سال ۲۰۱۱ نیز این شاخص ۰,۷۰۷ درصد مانند سال قبل است زیرا درآمد سرانه کاهش یافته است یکی از دلایل این کاهش می‌تواند بحران جهانی و به تبع آن کاهش درآمدهای نفتی ایران باشد.

باتوجه به اهمیت شاخص توسعه انسانی و با در نظر گرفتن تحولات جهانی و سرعت روزافزون آن در این پایان نامه هدف اصلی :

ارتباط بین جهانی شدن و شاخص توسعه انسانی در ایران است. می‌باشد برای این منظور از یک مدل اقتصاد سنجی در سری زمانی داده‌های (۱۳۵۳-۱۳۸۸) برای ایران محاسبه می‌کنیم. مدل این پایان نامه براساس مطالعات پریسا صمیمی (۱۳۸۴)، صادقی (۱۳۸۶)، ابراهیم گرجی و محمد برهانی‌پور (۱۳۸۷)، رضا نجارزاده و الهام مهدوی راسخ (۱۳۸۸) ابراهیم گرجی و معصومه علیپوریان (۱۳۸۹)، جانگ ان لی (۲۰۰۶) و محمد سلیمان، مجید صدف و حسین ادنان (۲۰۱۰) استخراج شده است. در این مدل متغیر وابسته شاخص توسعه انسانی و متغیرهای مستقل شامل متغیرهای صادرات کالاهای کارخانه‌ای، پس‌انداز، توزیع درآمد و شاخص KOF شاخص‌هایی استاندارد برای جهانی شدن در نظر گرفته می‌شود می‌باشد. بر این اساس ارتباط بلند مدت متغیرها را با استفاده از روش خود رگرسیون با وقفه‌های زمانی توزیع شده ARDL بررسی خواهد شد همچنین رابطه تعادلی بلند مدت و پویایی کوتاه‌مدت مدل، آزمون می‌شود.

۱-۲- اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب آن :

جهانی شدن یکی از موضوعات متداولی است که در اقتصاد از اهمیت ویژه ای برخوردار است. امروزه پدیده جهانی شدن حقیقتی انکار ناپذیر است که با آهنگی شتابان به پیش می‌رود و بر اقتصاد و سیاست آثار شگرف می‌نهد جهانی شدن به عنوان روندی از دگرگونی از مرزهای سیاست و اقتصاد فراتر می‌رود و علم و فرهنگ و تکنولوژی را نیز در بر می‌گیرد و باعث می‌شود که رفته رفته مرزها نا پدید شده و همزمان با آن مبادلات بین المللی و تعاملات فراملی افزایش یابد. پرداختن به بحث جهانی شدن بیشتر از آن روایت می‌یابد که فهم درست پیچیدگی های حیات اجتماعی را دیگر نمیتوان از تمرکز تحلیلی بر جامعه استنباط کرد به ویژه در مواردی که جامعه به عنوان واژه‌ای مترادف با دولت- ملت تلقی می‌شود (آکسفورد ۱۳۷۸: ۳۴)

جهانی شدن بر ابعاد دیگری جزء بعد اقتصادی تاثیر می‌گذارد مانند عوامل اجتماعی، انسانی. بنابراین توسعه انسانی گرچه بر رشد ظرفیتهای مادی در کنار پرورش استعدادهای ذهنی تاکید دارد، رشد اقتصادی را نیز ابزاری در خدمت زندگی بهتر انسان میدانند شاخص توسعه انسانی نماگری از روند توسعه انسانی در جهان خواهد بود که جایگاه کشورها را نسبت بهم نشان میدهد. شاخص توسعه انسانی مدرن ترین معیاری است که جای هر کشور را در جدول سازمان ملل تعیین میکند اهمیتی که شاخص توسعه انسانی در رشد و توسعه به طور کلی با بررسی زیر شاخص های آن کاملاً مشهود است مانند: تاثیر آموزش بر رشد اقتصادی، تاثیر آموزش بر امید به زندگی،... اقتصاددانانی که درباره توسعه کشورهای جهان سوم مطالعه میکنند همگی بر این باورند که آموزش و پرورش محور اصلی رشد اقتصادی به شمار می آید (عمار زاده ص ۱۹۱). تجارب کشورهای پیشرفته نیز گواهی میدهد

مطالعات آماری نیز اثبات کرده ۱ که سرمایه گذاری در سرمایه انسانی دارای بازده فوق العاده زیادی است ۲. انسان نه تنها ابزار توسعه بلکه هدف توسعه است و توسعه یافتگی نه تنها به دست انسانهای توسعه یافته محقق میشود بلکه معیار ارزیابی توسعه و درجه پیشرفت برنامه های توسعه نیز بر پایه توسعه انسانی و میزان رشد شاخص های مربوط است آمل و آرزوی هر کشور و جامعه ای دست یابی به رفاه و آسایش بیشتر، جبران عقب ماندگی و کاهش آلام و بدبختیها و به عبارتی زندگی بهتر و برتر است مسلما رسیدن به چنین اهدافی نیازمند توسعه ای معتدل و پایدار است که در آن به تمامی ابعاد و جنبه های توسعه به طور همزمان توجه شده باشد از میان ابعاد مختلف توسعه بحث انسان و منابع انسانی جایگاه منحصر به فرد و بی بدیلی دارد چرا که از انسان هم به عنوان هدف توسعه و هم به عنوان ابزار توسعه یاد میشود بر این اساس شاخص توسعه انسانی که از سه بعد کیفی سطح دانش، طول عمر و سطح زندگی افراد تشکیل شده است از اهمیتی خاص برخوردار است. (عظیمی ۱۳۷۱)

از سوی دیگر جهانی شدن فرایندی است که خواسته یا ناخواسته بخش هایی از جمله ایران را درگیر خود کرده است. در سالهای اخیر شناخت تبعات و آثار جهانی شدن در کشورهای در حال توسعه مورد توجه خاص قرار گرفته است و در حال حاضر در ایران یکی از موضوعات مهم و چالش برانگیز جهانی شدن و شرایط لازم برای آن و آثار و پیامدهای آن بر اقتصاد است. در گزارش شاخص توسعه انسانی ۲۰۰۷-۲۰۰۸ که توسط برنامه توسعه سازمان ملل منتشر گردیده اطلاعات سال ۲۰۰۵ را منعکس میکند که کشورهای را که ارزش عددی شاخص توسعه انسانی در دامنه ۰,۸ و ۰,۵ قرار دارند در گروه سطح توسعه انسانی میانه طبقه بندی نموده است این گروه شامل ۸۵ کشور است.

۱. Schultz, Theodor (۱۹۶۱)

۲. Dentson, Edward F (۱۹۶۲)

ایران با کسب امتیاز ۰,۷۵۹ در میان ۱۷۷ کشور جایگاه ۹۴ را به خود اختصاص داده و در گروه کشورهای با توسعه انسانی متوسط قرار گرفته است. در این گروه کشورهای قزاقستان (رتبه ۷۳)، اوکراین (رتبه ۷۶) و ترکیه (رتبه ۸۴) بالاتر از ایران قرار دارند و مقایسه رتبه شاخص توسعه انسانی در سال ۲۰۰۷ با رتبه آن در سال ۲۰۰۶ نشان می‌دهد که ایران دو پله صعود کرده و این آمار نشان دهنده بهتر شدن وضعیت کشورمان از لحاظ اقتصادی و اجتماعی است. آنچه مهم است میزان شناخت و آگاهی‌های ما درباره عوامل تاثیر گذار در اقتصاد است تا با قدرت پیش بینی بیشتری بکارگیری سیاست‌ها را دنبال کنیم لذا در این پژوهش سعی بر آن است که با موشکافی بیشتری نقش و جایگاه جهانی شدن و آثار آن بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای در حال توسعه توجه کنیم و شاخص‌های متفاوت آن را بررسی کنیم.

۱-۳- هدفهای تحقیق

هدف اصلی:

بررسی ارتباط بین جهانی شدن و شاخص توسعه انسانی در ایران است

۱-۴- سوالات یا فرضیه‌های تحقیق (بیان روابط بین متغیرهای مورد مطالعه)

سوالات:

- ۱- آیا ارتباط معنی‌دار بین جهانی شدن و شاخص توسعه انسانی در ایران وجود دارد؟
- ۲- آیا بین صادرات کالاهای کارخانه‌ای و شاخص توسعه انسانی در ایران ارتباط معنی‌دار وجود دارد؟

۳- آیا بین پس انداز و شاخص توسعه انسانی در ایران ارتباط معنی دار وجود دارد؟

۴- آیا بین توزیع درآمد و شاخص توسعه انسانی در ایران ارتباط معنی دار وجود دارد؟

۵- روند تغییرات توسعه انسانی در ایران طی سال‌های گذشته چگونه بوده است؟

فرضیات:

۱- بین صادرات کالاهای کارخانه‌ای و شاخص توسعه انسانی در ایران ارتباط معنی دار وجود دارد.

۲- بین پس انداز و شاخص توسعه انسانی در ایران ارتباط معنی دار وجود دارد.

۳- بین توزیع درآمد و شاخص توسعه انسانی در ایران ارتباط معنی دار وجود دارد.

۴- بین جهانی شدن و شاخص توسعه انسانی در ایران ارتباط معنی دار وجود دارد.

۱-۵- مدل تحقیق

در این پژوهش از مدل داده های سری زمانی برای ایران استفاده می کنیم و مدل به قرار زیر می

باشد:

$$HDI=f((S, Gini, Exm, kof))$$

HDI: شاخص توسعه انسانی

S: پس انداز

Gini: ضریب جینی

Exm: صادرات کالای کارخانه ای

Kof: شاخص جهانی شدن

۱-۶-روش تحقیق

نوع مطالعه این پایان نامه کاربردی می باشد. برای بررسی فرضیات تحقیق و آرایه مدل از روش ARDL استفاده میشود.

۱-۷-جامعه آماری و حجم آن

جامعه آماری در این تحقیق کشور ایران و اطلاعات مورد استفاده به صورت سری زمانی برای دوره ۱۳۵۳-۱۳۸۸ می باشد.

۱-۸-روش گرد آوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات به شکل کتابخانه ای می باشد. در گردآوری آمار و ارقام مربوط به متغیرهای موضوع از طریق مراجعه به داده های رسمی کشور، از جمله داده های سری زمانی بانک مرکزی ایران، سایت بانک جهانی و سازمان ملل متحد، سایت KOF اطلاعات لازم جمع آوری، پژوهش و تحلیل خواهند شد.

۱-۹-روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این مطالعه به منظور بررسی اثر جهانی شدن بر شاخص توسعه انسانی در ایران از تکنیک اقتصادسنجی همین طور از داده های سری های زمانی سالیانه ۱۳۵۳-۱۳۸۸ بانک مرکزی و آمارهای بین المللی استفاده می شود. سپس با نرم افزار microfit به تخمین ضرایب مدل و استفاده از

آزمونهای مختلف اقتصادسنجی از جمله آزمون ریشه واحد برای بررسی ایستایی داده های سری
زمانی و آزمون هم جمعی و... می پردازیم.

۱-۱۰- متغیرها و واژه های کلیدی

جهانی شدن ، شاخص توسعه انسانی (HDI) ، امید به زندگی ، آموزش ، سطح زندگی

فصل دوم

مبانی نظری

امروزه جهانی شدن برای اکثر مردم و نخبگان واژه‌ای آشناست. هر چند تعاریف، تلقی‌ها، روندها و آینده متفاوتی از جهانی شدن بیان می‌کنند که گاهی بسیاری متفاوت و حتی متعارض هستند ابعاد و گستره نفوذ جهانی شدن حکایت از وقوع حادثه‌ای عظیم در بطن تحولات جهان دارد که نمودهای بسیار گوناگون و موثری داشته است و تفسیرهای مختلفی از آنها به عمل آمده است.^۱ آمارتیا سن^۲ در این باره می‌گوید با وجود این که جهانی شدن یکی از موضوعاتی است که بیش از همه در جهان امروز درباره‌ی آن بحث شده است اما روی هم رفته مفهومی نیست که به خوبی تعریف شده باشد. مجموعه‌ای از تعاملات جهانی در زیر عنوان گسترده جهانی شدن قرار گرفته است که از گسترش تاثیرات فرهنگی و عملی به فراسوی مرزها تا بسط روابط اقتصادی و بازرگانی را در سراسر جهان در برمی‌گیرد.

برخی از نظریات نگاه یک بعدی بر جهانی شدن داشته و خاستگاه یا آثار آن را در یک حوزه خاص دیده‌اند و در مقابل برخی دیگر آن را غالب بر تمام حیات زندگی انسان می‌بینند. آنچه مقدمات رشد و توسعه اقتصادی را می‌تواند فراهم کند تبدیل نیروی کار به سرمایه انسانی است و این جزء از طریق توسعه انسانی میسر نمی‌شود. مفهوم توسعه انسانی از دهه گذشته تاکنون بر اساس این ایده گسترش پیدا کرده که درآمد همه زندگی انسان نیست و پیشرفت جهانی در مسائل انسانی را نمی‌توان تنها با درآمد سرانه اندازه‌گیری کرد این رویکرد به مفهوم توسعه انسانی، اساس طراحی شاخص توسعه انسانی قرار گرفته است که به دنبال اندازه‌گیری ترکیبی سه ظرفیت اساسی آموزشی، امید به زندگی و

^۱ علی شکوری (۱۳۸۹)

^۲ Sen (۱۳۸۸)

درآمد ناخالص ملی سرانه می‌باشد. این شاخص بر این اندیشه استوار است که لازمه‌ی دستیابی به زندگی بهتر گذشته از داشتن درآمد بالاتر، پرورش و گسترش استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است که بعنوان سنجه اندازه‌گیری توسعه شناخته شده که می‌توان گفت دامنه آن بسیار گسترده‌تر از درآمد سرانه است زیرا در این شاخص بخشی از زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی در کنار زمینه اقتصادی توسعه نیز در نظر گرفته شده است. (ازواجی، ۱۳۸۷)

در این فصل به بررسی معیارها و مفاهیم جهانی شدن و ارتباط آن با توسعه انسانی و در انتها به مطالعات داخلی و خارجی در مورد جهانی شدن و توسعه انسانی می‌پردازیم.

۲-۲- جهانی شدن

پدیده جهانی شدن واقعیتی ملموس و ضروری است که امروزه در حال تکامل بوده و در تمام عرصه‌های زندگی در جریان است که هم فرصت‌هایی را فراهم نموده و هم با چالش‌هایی روبرو است. کشورها با هماهنگ ساختن خود با این پدیده می‌توانند فرصت ارزشمندی را بدست آورند تا فرهنگ و ارزشهای خود را مطرح سازند و در این ارتباط و تعامل پیش از آنکه اثرپذیر شوند اثرگذار گردند.

۱-۲-۲ مفهوم جهانی شدن:

جهانی شدن واژه‌ی رایج دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی است و فرایندی از تحول است که مرزهای سیاسی و اقتصادی را کمرنگ میکند، ارتباطات را گسترش می‌دهد و تعامل فرهنگها را افزون می‌نماید. عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مانند دایره‌هایی هستند که مجزا از یکدیگر اما هم محورند هر چند سنجش اندازه فرایندهای جهانی شدن دشوار است اما پدیده جهانی شدن ابعاد گوناگون و گسترده‌ای

به خود گرفته و در عرصه‌های مختلف سر برآورده است. در تبیین جهانی شدن نوید داده شده است که این فرایند موجب ارتباط بیشتر در میان نقش آفرینان جهانی، پیشرفت‌های اساسی در زمینه ارتباطات، حذف موانع تجاری، رشد سریع اقتصاد، افزایش سطح زندگی، سرعت گرفتن نوآوری‌ها و ارتقای فن‌آوری و ایجاد فرصت‌های بیشتر برای همگان می‌شود.

جهانی شدن ریشه در توسعه و پیشرفت فزاینده علوم به ویژه علوم و دانش ارتباطات و اطلاعات دارد پیشرفتهای بدست آمده در فنون ارتباطی و اطلاعاتی و توسعه فراگیر تکنولوژیک در این بخش-ها باعث گردیده است که روابط انسانی از حالت سنتی خود خارج و وارد فضایی کاملاً جدید گردد بر همین اساس می‌توان ادعا نمود جهانی شدن یک روند تدریجی میباشد که شروع خاصی بر آن متصور نیست بلکه از زمانی که ابداعات بشری موجب پدید آمدن ابزارهای فنی و تکنولوژی پیشرفته‌ای شد این فرایند شدت یافته در حقیقت قابل لمس گردید (محمد صاحبی، ۱۳۸۰) کالیر و دیگران ۱ (۲۰۰۲) جهانی شدن به عنوان یک پدیده، فرایند و یا ایدئولوژی در چند دهه اخیر مورد توجه اقتصاددانان، جامعه شناسان، سیاستمداران و قرار گرفته است. از دیدگاه اقتصاددانان، جهانی شدن لزوماً به معنای پدید آمدن یک بازار رقابتی در سطح جهان است. تاریخ دانان، جهانی شدن را آغاز دوران حاکمیت سرمایه داری جهان می‌دانند. جامعه شناسان آنرا زیربنا و زمینه ساز تنوع فرهنگی و همگرایی رجحانهای اجتماعی یک جامعه به لحاظ الگوهای زندگی و ارزشهای اجتماعی می‌دانند. دانشمندان علوم سیاسی نیز جهانی شدن را فرسایش تدریجی حاکمیت دولت در یک کشور تلقی می‌کنند (غلامحسین فیروزفر ۱۳۸۳)

پژوهشگران اقتصادی، جهانی شدن را به روش‌های مختلف تعریف و هر یک از دیدگاه‌های خاصی به این مساله نگاه کرده‌اند. به عنوان مثال مالکوم وارترز^۱(۲۰۰۰) جهانی شدن را فرآیندی اجتماعی معرفی می‌کند که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده از کاهش این قید و بندها آگاه می‌گردند.(مردانی گیوی و مریدی ۱۳۷۹، ص ۱۲)

هلد^۲(۲۰۰۱) معتقد است که در یک تعریف شهودی، جهانی شدن روندی است که از جریان یافتن رو به افزایش کالاها، پول، مردم، اطلاعات و فرهنگ به ورای مرزها تغذیه شده و به آن منتهی می‌گردد.(مائور و گلین، ص ۲۶ ۱۳۸۰)

پراتون^۳(۲۰۰۱) جهانی شدن فرایندی از تحول است که مرزهای سیاسی و اقتصادی را کمرنگ کرده ارتباطات را گسترش داده و تعامل فرهنگ‌ها را افزون می‌نماید. به نظر وی جهانی شدن پدیده‌ای چند بعدی است که آثار آن قابل تسری به فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی و فن‌آوری است و همچنین فعالیت‌های اجتماعی همچون محیط زیست را متاثر می‌کند.(بهکیش ۱۳۸۰، ص ۲۴)

بازانسون^۴(۲۰۰۳) مشخصه‌های اصلی جهانی شدن را یکپارچه شدن تجارت از طریق حذف مرزهای تجاری، حرکت شفاف سرمایه، تسریع در مبادله تکنولوژی و افزایش عمومی در مصرف‌گرایی جهانی می‌داند.

^۱Wartez

^۲Held

^۳Perraton

^۴Bazenson

فرانکل^۱(۲۰۰۶) جهانی شدن را به صورت افزایش ادغام بین‌المللی بازارهای ملی شامل بازار کالا و خدمات، سرمایه و نیروی انسانی تعریف می‌کند.

از نظر گیدنز^۲ جهانی شدن تشدید روابط اجتماعی در سراسر جهان است که مکان‌های دور از هم را چنان به هم مرتبط می‌سازد که رخدادهای هر محل، زاده حوادثی است که کیلومترها دورتر به وقوع می‌پیوندد. (محمد رضا مالک ۱۳۸۲)

لئوارد^۳ بر این عقیده است که جهانی شدن وضعیتی است که رفاه یک مرد یا زن عادی دیگر فقط به عملکرد دولتشان وابسته نمی‌باشد. (بهکیش ۱۳۸۱، ص ۲۱)

پیتر دراگر^۴ بیان می‌کند که تغییر را نمی‌توان مهار کرد اما می‌توان از آن پیش افتاد لذا از آنجا که فرآیند جهانی شدن فرایند تغییر در تمامی زندگی است همه سازمان‌ها باید به پیشواز تغییرات بروند نه اینکه در برابر آنها بایستند گاریرو^۵(۲۰۱۰) معتقد است که جهانی شدن موجب تغییر الگوی تجارت و حتی فرهنگ شده و در طی سالیان متمادی فعالیتهای تولیدی را تغییر داده است.

آتپال کومار^۶(۲۰۱۱) جهانی شدن را به همراه آزاد سازی و خصوصی سازی بواسطه بررسی فرایند یکپارچه کردن اقتصاد جهانی برای تسهیل حرکت سریعتر عوامل تولید و بررسی کالاهای تولید شده

^۱Frankel

^۲Giddens

^۳Leovard

^۴Draker

^۵Guerrero

^۶Utpal Kumar

از طریق توسعه تجارت جهانی و کاهش هزینه‌های حمل و نقل و توسعه تکنولوژی از یک منطقه به منطقه دیگر و در نتیجه مشارکت در فرایند رشد کشورهای مختلف در سرتاسر دنیا معرفی می‌کند.

عبدالمجید (۱۳۸۳) جهانی شدن فرایندی است که وابستگی متقابل بین دولتها و جوامع را در سراسر جهان گسترش داده و تشدید کرده است این واقعیت قابل پذیرش است که فرایند جهانی شدن برخی از کشورها و رژیمها را بیشتر از دیگران تحت تاثیر قرار می‌دهد و حتی این فرایند در برخی از زمینه‌ها می‌تواند تهدیدی علیه استقلال کشورها باشد. لیکن جهانی شدن کشورها را از سیاستگذاری‌های ملی باز نمی‌دارد بلکه این فرایند به تجزیه و رقابت و یا اتحاد و همکاری می‌انجامد.

محمد رضا مالک (۱۳۸۴) جهانی شدن پدیده‌ای است چند بعدی با پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی و فن‌آوری و همچنین موارد دیگری چون محیط زیست.

صندوق بین‌المللی پول جهانی شدن را ادغام وسیع‌تر و عمیق‌تر تعریف میکند به عبارت دیگر جهانی شدن را رشد وابستگی متقابل اقتصادی کشورها در سراسر جهان از طریق افزایش حجم و تنوع مبادلات کالا و خدمات و جریان سرمایه در ماوراء مرزها و همچنین از طریق پخش گسترده‌تر و سریع‌تر تکنولوژی می‌داند (بهکیش ۱۳۸۰)

نصیری (۱۳۸۰) در مورد ماهیت جهانی شدن دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که به طور کلی به سه دسته تقسیم میشوند:

- جهانی شدن به مثابه یک فرایند: در این دیدگاه جهانی شدن فرایندی است که از طریق گسترش ارتباطات و اطلاعات و در نتیجه فروریزی دیوارهای طبیعی و فاصله‌های زمانی و مکانی به پیش